

مومن آل فرعون چرا کتمان را کنار گذاشت و وارد عمل شد؟

آیات ۲۸، ۳۸، ۳۹، ۴۱،
۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷
سوره مبارکه غافر

مومن آل فرعون از چه تکنیک ها و راه کاری برای حفظ جان موسی ع و روشن شدن قومش استفاده کرد؟

تفاسیر پیشنهادی

آیه ۲۸: تفسیر اُطیب البیان فی تفسیر القرآن

آیه ۳۸: تفسیر نمونه

آیه ۳۹: تفسیر کاشف

آیه ۴۱: تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین

آیه ۴۲: تفسیر شریف لاهیجی

آیه ۴۴: تفسیر اثنی عشری

آیه ۴۶: تفسیر کاشف

آیه ۴۷: تفسیر نور



تفاسیر آیه ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ ﴿٢٨﴾

وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعَ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ وَيَقَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾

فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَلْنَا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می داشت (با فرعونیان) گفت: آیا مردی را به جرم اینکه می گوید: پروردگار من خداست می کشید، در صورتی که با معجزه و ادله روشن از جانب خدایتان برای (هدایت) شما آمده است؟! اگر او دروغگوست گناه دروغش بر خود اوست و لیکن اگر راستگو باشد از وعده های او بعضی به شما برسد (و همه هلاک خواهید شد) که خدا البته مردم مسرف (ستمکار) و دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد (۲۸)

باز مؤمن آل فرعون گفت: ای مردم! مرا پیروی کنید من شما را به راه رشد و کمال هدایت می کنم. (۳۸) ای مردم! زندگانی دنیا کالای ناچیزی بیش نیست؛ ولی آخرت خانه آرامش و همیشگی است. (۳۹)

ای مردم! چرا من شما را به رستگاری دعوت می کنم و شما مرا به آتش می خوانید؟! (۴۱) مرا دعوت می کنید که به خدا کافر شوم و برای او شریکهایی که به آن علم ندارم قائل گردم؛ ولی من شما را به سوی خدای مقتدر بخشنده دعوت می نمایم. (۴۲)

به زودی سخنان مرا درباره خودتان خواهید فهمید و من کارم را به خدا واگذار می کنم؛ زیرا که خداوند به حال بندگان بیناست. (۴۴)

آتش را صبح و شب بر آنها عرضه می دارند و در روز قیامت فرمان داده شود: آل فرعون را به سخت ترین عذاب وارد جهنم کنید. (۴۶) در میان آتش به گفتگو مشغول می شوند ضعیفان به مستکبران می گویند: ما از شما پیروی کردیم آیا اینکه سهمی از این آتش را می توانید از ما دفع کنید. (۴۷)

این موقعیت درباره فردی است که ایمان خود را در زمان حکومت ظالم کتمان کرده تا جان خود را حفظ کند ولی زمانی که جان حضرت موسی را در خطر می بیند وارد عمل می شود. این موقعیت راهکارها و راهبردهای خیلی دقیقی رو در زندگی اجتماعی و حضور فعال در جامعه به ما میدهد. من فقط به برخی اشاره می کنم. نکته اول درباره این هست که چرا این مومن ایمان خود را کتمان کرد. رابطه این کتمان و این حضور فعال در جامعه چیه؟ کی باید ساکت بود و چه زمانی فعال؟ خیلی باشکال میکنن به ما که تقیه یعنی نفاق و دورویی؟ خیلی ها میگن چرا امام سجاد مثل امام حسین قیام نکردن. چرا ایران جواب اسرائیل را محکم نمی دهد؟ نظر قرآن چیه؟

این فرد یک نفره مسیر تاریخ را عوض کرده. شاید مثل خیلی از مردم خودمون بهانه های خوبی برای سکوت در برابر قتل حضرت موسی داشت اما یک نفره ایستاد در این حرکت یک نفره چه راهکار و تکنیک هایی به کار برد که به نتیجه رسید؟ اگه اینها رو با دقت ببینیم ما هم در کنش های اجتماعی میتونیم موفق باشیم. چون گاهی بد عمل کردن ماها نتیجه که نمیده هیچ نتیجه بر عکس میده. گاهی بد امر به معروف کردن نتیجه خیلی بدتری میده.

گاهی ایستادن یک نفر مسیر تاریخ را عوض می کند. مشاوران یزید به او گفتن امام سجاد را الان بکش تا خیالت راحت شود. امام باقر کودکی بودن در مجلسی یزید از بیم جمع اسرا بلند می شوند و استدلالی می آورند که یزید میگه سریع اسرا رو از کاخ من بیرون ببرید. اینجا خود امام سجاد یا خود موسی چرا حرف نمی زنن؟ برخی میگن رهبری بیان و مردم را روشن کنن؟ من پیام دفاع از حق کنم و توضیح بدم چه فایده ای داره؟ نظر شما چیه؟

اما دقت کنید این مومن آل فرعون چطور دفاع از حق می کنه. با چه لحنی حرف میزنه. چه تکنیک هایی رو به کار میگیره. حتما شما با دقت بالا میتونید نکات مهم این موقعیت رو استخراج کنید.

خدا مهاجرت با چه هدفی را صحیح می داند؟

آیات ۹۵ تا ۹۷
سوره مبارکه نساء

چند گروه از انسان ها در این آیات بیان شدند و هر کدام چه ویژگی و چه جایگاهی دارند؟

اگر نمی توانیم جمعی را اصلاح کنیم وظیفه ما چیست؟

تفاسیر پیشنهادی

آیه ۹۵: اطیب البیان فی تفسیر القرآن

آیه ۹۶: اطیب البیان فی تفسیر القرآن

آیه ۹۷: تفسیر شریف لاهیجی



تفاسیر آیه ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾

نکات تفسیری

در این آیات یک گروه مجاهد و یک گروه مهاجر بیان شده است که این ها دارای کنش و فعالیت اجتماعی هستند و در مقابل این ها کسانی که قاعد هستند و جهاد نکردند و افرادی که در دیار کفر باقی ماندند بیان شده. کسی که نمی تواند جهاد کند که حرفی نیست و عذر دارد. اما کسانی که توان دارند یا می توانند توان داشته باشند. کسی که می تواند برود باشگاه و زور پیدا کند کسی که میتواندست مطالعه. کسی که می تواندست سراغ یک عالم و آگاه بروند، کسی می تواندست با رسانه و تکنیک های به بردگی کشیدن مردم آشنا شود و این کار ها را نکرد نمی تواند بگوید من توان نداشتم. نخواستی که توان داشته باشی. در آیه سوره نسا ۹۵ بین کسی که جهاد می کند و در برابر ظلم سکوت نمی کند با کسی که می تواند جهاد کند و نمی کند مقایسه می کند.

دقت کنید خدا از مجاهد و قاعد چگونه یاد میکند. شرایط جامعه و تاثیر جهاد نکردن این افراد چگونه است. حالا این دو گروه را مقایسه کنید با دو گروهی که در آیه بعدی بیان شده اند. تاثیر انفعال داشتن و منفعل نبودن مهاجرین و کسانی که هجرت نکردند چگونه است. چرا خدادر برابر اینان محکم تر حرف میزند؟

اگر قرار باشد درسی که از این آیه می گیریم را در زندگی امروز خودمان جاری کنیم چی به ذهن شما میرسه. یه مثالی از مدرسه تون بزنید که یه گروه مجاهد باشن و یه گروه سکوت کردن. و یه مثال بزنید که در مدرسه یه گروه مهاجر شدن و یه گروه هجرت نکردن و خود را مستضعف میدانند. حالا قضاوت قرآن درباره هر کدام از این گروه ها چیه؟

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

مؤمنانی که بی هیچ رنج و آسیبی از جنگ سر می تابند با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می کنند برابر نیستند خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می کنند بر آنان که از جنگ سر می تابند به درجتی برتری داده است و خدا همه را وعده های نیکو داده است و جهادکنندگان را بر آنها که از جهاد سر می تابند به مزدی بزرگ برتری نهاده است (۹۵)

درجه های مغفرت و رحمت از آن خداست و خدا آمرزنده مهربان است (۹۶)

کسانی هستند که فرشتگان جانشان را می ستانند در حالی که بر خویشان ستم کرده بودند از آنها می پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند: ما در روی زمین مردمی بودیم زبون گشته فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟ مکان اینان جهنم است و سرانجامشان بد. نسا (۹۷)



آیه ۷۱ سوره توبه
آیه ۵۴ سوره مائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

آیا خداوند خواسته همه کسانی که زودگذر را طلب می کنند تضمین کرده؟ چه نکاتی از این شیوه بیان در آیه ۱۸ بدست می آید.

آیا در آیه ۱۹ تضمینی دیده می شود؟ چه نکاتی از این بیان بدست می آید؟

چرا با وجود اینکه به خواسته قلبی آنها یعنی اراده آخرت اشاره شده بود، مجدداً به مومن بودن آنها اشاره شده است؟

تفاسیر پیشنهادی
آیه ۷۱ : تفسیر نور
آیه ۵۴ : جوامع الجامع



تفاسیر آیه ها



نکات تفسیری

میخواهی آباتی که درباره ابرانی ها گفته شده رو خونیم این موقعیت رو با دقت بررسی کن.

در این دو آیه خدا ویژگی مومنین را در برابر منافقین بیان می کند. در هر دو آیه خداوند مومنین را افراد فعال و کنشگر معرفی می کند. پس شما که به دنبال حل انفعال هستید باید بتوانید نکات خوبی از این آیات به دست بیاورید.

یکی از نکاتی که طرفداران سبک زندگی غربی از آن دفاع می کنند این است که از خارجیا یاد بگیرید اونها اصلا به کار هم کار ندارند. بر فرض که این حرف درست باشه این کاری نداشته تا کجا خوبه؟ چقدر خوبه؟ اصلا ما چقدر نسبت به جامعه مسئولیم. در اروپا زیاد دیده میشه کسی زمین میفته کس دیگه باهش کار نداره. حتی برخی کشور هاشون زن و شوهر نسبت به گرفتاری های هم کاری ندارند. مثلا مرد پول نداشته باشه زن فقط برای خودش غذا سفارش میده و همسرش فقط میتونه غذا خوردن همسرش رو نگاه کنه. این بی خیالی تا کجا خوبه؟ اگه قراره زندگی ما اسلامی باشه قرآن تا کجا به ما اجازه داده و یا بهتر بگم تا کجا به ما دستور داده بی خیال نیاشیم.

می دونید قرار گرفتن هر کلمه در هر جا در قرآن معنا داره. حتی بودن و نبودن یک واو در قرآن میتونه معانی رو عوض کنه و گاهی مفسرین ساعت ها روی یک اعراب حرف میزنن چون واقعا معنا عوض میشه. اینجا نگاه می کنیم خدا امر به معروف را اول آورده. به نظر شما جایگاه امر به معروف ساختار اجتماعی اسلام چیه؟ چرا نگفتن دعوت به معروف میگن امر به معروف؟ فرق یک دعوت کننده و یک امر کننده در چیه؟

به نظر شما معنای این ولایت داشتن مومنین بر یکدیگر چیه؟ چرا نگفتن ریاست دارن؟ یه راهنمایی بکنم. ولایت داشتن یک حس محبت و دلسوزی داره مثل پدر و مادر و امام. اصلا یکی از معنای ولایت دوست داشتن هم هست.

در آیه بعد خدا می فرماید اگر مسلمانان صدر اسلام از دین خدا خارج شوند خیلی ها سست ایمان شدند خدا قومی را می فرستد که منفعل نیستند. در تفاسیر و روایات ببینید این قوم فعال و جهادگر چه کسانی هستند. یکی از اقوام که در روایات به آن اشاره شده که مصداق این قوم کنشگر و فعال هستند مردم یمن و مردم ایران هستند. باورتون میشه. روایات و تفاسیر رو نگاه کنید. این روایات رو امروز من نگفتم صد ها سال پیش مکتوب شده. این ها معجزه قرآن است. اما امروز ببینید مثلا در ماجرای غزه اکثر دنیا منفعل نشسته اند و ظلم صهیونیست ها رو نگاه میکنند چه کسی کنار آنها است ایستاد؟ ایران و یمن. مردم یمن چه گفتن؟ ما حاضریم از آسایش خود بگذریم حتی کنار مردم فلسطین شهید بشویم.

خدا این قوم را دوست داره و آنها این روح بزرگ را از خدا و ارتباط با خدا به دست آوردند. هر کلمه این آیه قابل استفاده است. قومی که کنشگر است و منفعل نیست با اقتدار و با عزت برابر ظالم می ایستد و ذره ای با پس نمی کشد. در این آیه هم به پیامد ها اشاره شده هم به ریشه ها و هم راهکار داده. خیلی روی این آیه و هر کلمه اش فکر کنید.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

مردان و زنان مؤمن برخی شان یاوران و سرپرستان برخی دیگرند به کارهای پسندیده فرمان می دهند، و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبر او پیروی می کنند به زودی خدا آنها را مورد رحمت قرار می دهد؛ زیرا خدا پیروزمند حکیم است. (۷۷)

ای اهل ایمان! هر که از بین شما از دین برگشت، به زودی خداوند گروهی را بیاورد که آنها را دوست می دارد و آنان نیز خدا را دوست می دارند با اهل ایمان فروتن و با کافران سرسخت هستند در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامتگران هراسی ندارند و این فضل خداست، که او به هر که خواهد می دهد و خدا وسعت بخش آگاه است. (۵۴)





آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶
سوره اعراف

چند دسته در این جامعه حضور دارد و هر کدام چه سرانجامی داشتند؟

دلیل افراد ساکت این جامعه چیست؟ چرا دلیل آنها موجه نبود؟

چرا این قوم به میمون تبدیل شدند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونُمْ ﴿١٦٤﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾ فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

تفاسیر پیشنهادی

آیه ۱۶۳ : تفسیر اثنی عشری
 آیه ۱۶۴ : ترجمه تفسیر المیزان
 آیه ۱۶۵ : أطیب البیان فی تفسیر القرآن
 آیه ۱۶۶ : أطیب البیان فی تفسیر القرآن



تفاسیر آیه ها





نکات سخنرانی

در این موقعیت به ماجرای اشاره می کند که قوم یهود دستور خدا را زیر پامی گذارد و بر خلاف دستور خدا در روز شنبه مشغول ماهی گیری می شود. اما همه ماهی گیری نمی کنند. افراد دیگری هم در این جامعه بودند. افراد کمی که واکنش نشان داده و مقابل ماهی گیران سکوت نکردند و عده ای که هر چند ماهی گیری نکردند اما هم سکوت کردند هم با سکوت ماهیگیران را کمک نمودند.

این یک امتحان برای جامعه بود هست. اصلا همه دستورات خدا امتحان هست. طرف میگه من یه ذره از مو هام بیرون باشه مگه چی میشه. بابا حالا شنبه ماهی بگیریم چی میشه؟ بچه به نظر شما مگه چی میشه؟ دیدید خیلیا هم جوک میسازن درباره حرام بودن یه چیزایی که خودشون نمیفهمن علتش رو؟

اینجا افرادی که منفعل هستند تازه به افراد کنشگر جامعه می گن چرا امر به معروف می کنی وقتی به حرفت گوش نمیدن. چرا خودت رو ضایع می کنی؟ جواب خیلی دقیق است. در درجه اول میگن مهم نیست به حرف ما گوش بده یا نه. مهم نیست حجاب رو رعایت بکنه یا نه. مهم نیست اهنگ رو کم بکنه یا نه. اینها برای این جماعت مهم چیز دیگه ای براشون مهم هست. چی باعث میشه اونها بخاطرش در هر حال منفعل نباشن و جلوی بدی های جامعه رو بگیرن؟

اما گاهی میشه ما حرف حق رو میزنیم و در برابر چشمان ما تاثیری دیده نمیشه. این جماعت فعال میگن شاید اثر کرد. نظر شما درباره تاثیر های امر به معروف کردن در جامعه در کوتاه مدت و بلند مدت چیه؟

نتیجه کار عجیب است. خدا افرادی که فاسق بودند در این ماجرا جریمه عجیبی میکنه و مسخ میشن به شکل بوزینه (میمون). مسخ یعنی گروهی یک باطن کثیفی داشته خدا با معجزه عذابی رو نازل می کنه و ظاهر اونهارو مثل باطن شون میکنه. به نظر شما خدا چرا این جماعت ماهی گیر وساکتین رو شکل میمون ها کرد؟ میمون چه ویژگی داره که بین این قوم خطاکار مشترک هست؟ برخی در تفاسیر گفتن افراد ساکت شاید مسخ نشدن اما آنچه در تفسیر و روایات بر می آید بیشتر شاهد این است افراد ساکت هم که ماهی گیری نکردند مسخ شدند. یعنی ساکتین هم مثل خود گناهکاران در صف فاسقین قرار گرفتند.

نکته آخر هم اینکه عذاب مسخ شدن از بعد از نبوت پیامبر ما حذف شد و خدا دیگه قومی رو اینجوری عذاب نمی کنن.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

و (ای رسول ما) بنی اسرائیل را از آن قریه که در ساحل دریا بود (ده آیله و مدین) بازپرس آن گاه که از حکم (تعطیل روز) شنبه تجاوز کردند، آن گاه که (برای امتحان) به روز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا پدیدار شده و در غیر آن روز اصلا پدید نمی آمدند بدین گونه ما آنان را به سبب فسق و نافرمانی آزمایش می کردیم (۱۶۳)

و چون (پند و موعظه ناصحین در آنها اثری نکرد) جمعی از آن گروه گفتند: چرا قومی را که از جانب خدا به هلاک و یا به عذاب سخت محکومند باز موعظه می کنید؟ ناصحان گفتند: پند ما معذرت (و اتمام حجت) است از جانب پروردگارتان، و دیگر آنکه شاید (اثر کند) تقوایبیشه کنند (۱۶۴)

و چون هر چه به آنها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند ما هم آن جماعت را که از کار بد منع می نمودند نجات بخشیدیم و آنان را که (هم بی تفاوت بودند و هم گناه کردند) ظلم و ستمکاری کردند به کیفر فسقشان به عذابی سخت گرفتار کردیم (۱۶۵)

پس چون سرکشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب شدند به آنها گفتیم به شکل بوزینه شوید و بسی دور و بازمانده از رحمت خدا باشید (۱۶۶)

